رهنما
آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
۴۰

نظر شما چیست؟

پاسخ به پرسش‌های دیروز، امروز و فردا

محمد الیاسی



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۴۰ (نظر شما چیست)

نویسنده:

اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما۴۰ (نظر شما چیست)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : نظر شـما چیست؟ پاسخ به پرسـش های دیروز، امروز و فردا/ گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی؛ ویراستار محمدمهدی باقری.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۴۵ ص.؛ ۱۱× ۱۷ س م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۷۳-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : اسلام -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : اسلام -- عقاید -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : اسلام -- مطالب گونه گون -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP۱۲/ن۵۷ ۱۳۹۱

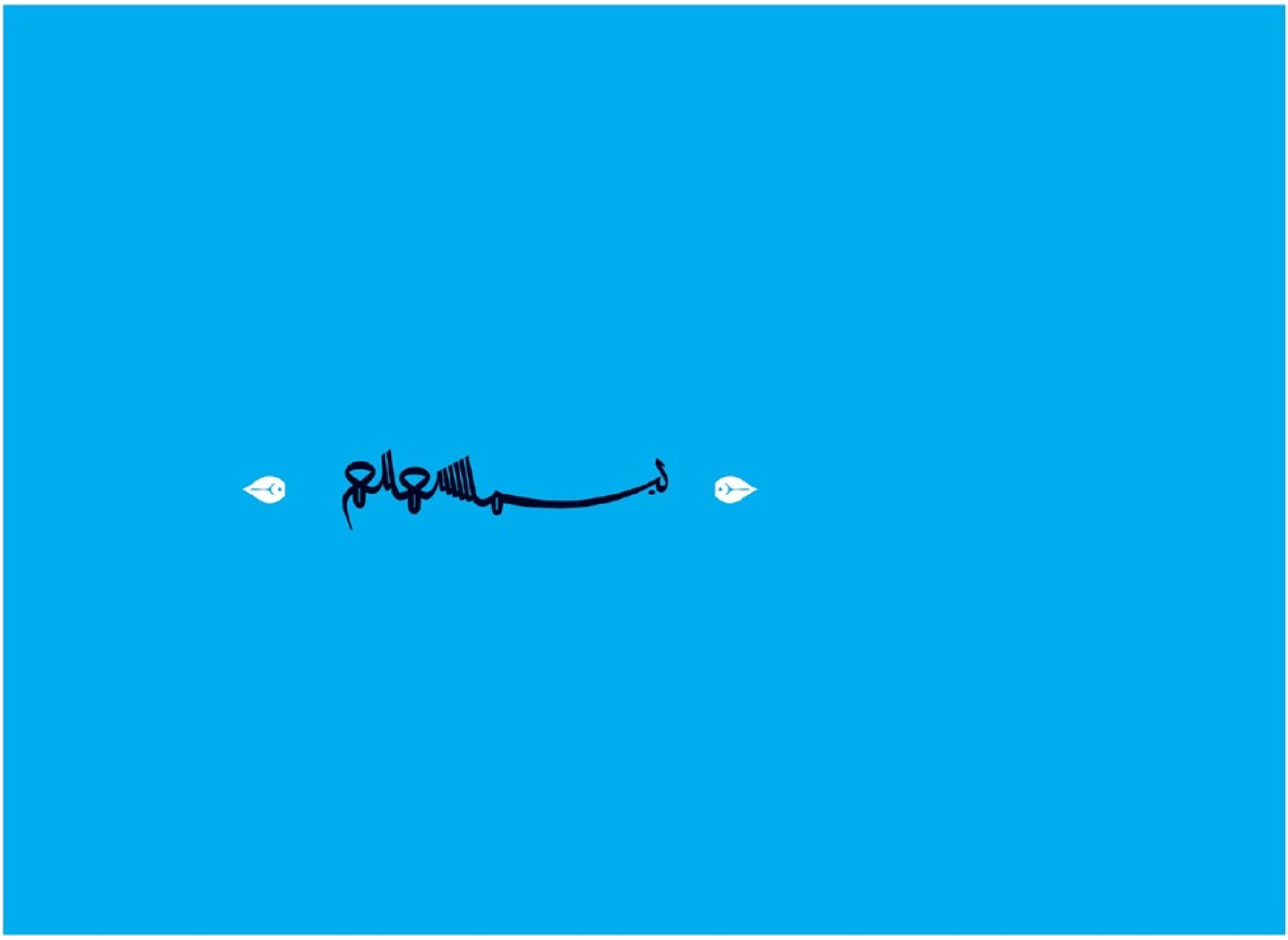
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۶۸۲۶۳

ص:۱

اشاره

تصویر



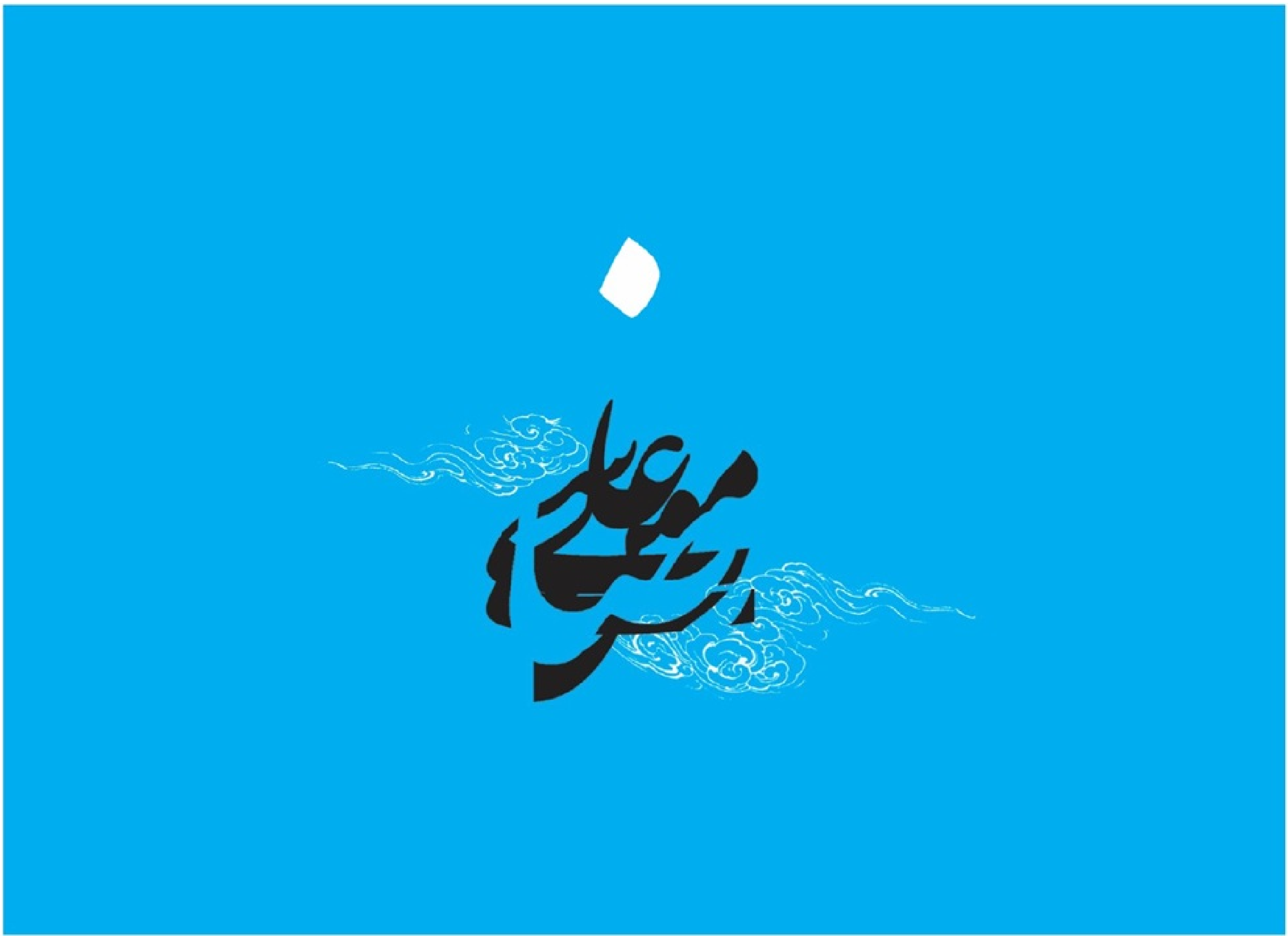
ص:۲

تصویر



پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **رهنما** گامی است در این مسیر.
همگامِ ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

تصویر



ص:۴۰

نظر شما چیست؟

نظر شما چیست؟

پاسخ به پرسش های دیروز امروز و فردا

پرسش های زیر را، در این نوشتار، پاسخ می گیرید:

۱. آیا پیامبر با انتصاب علی، خلافت را موروثی نکرده اند؟ همچنین، چرا مردم به سرعت ابوبکر را به جای علی انتخاب کردند؟

۲. چرا شیعیان پنج نماز را در سه وعده می خوانند؟

۳. آیا خواندنِ همیشگیِ سورهٔ توحید، چهرهٔ نماز را تکراری و ماشینی نمی کند؟

۴. سجده کردن بر چند چیزِ معیّن، چه حکمتی دارد؟

۵. چرا شیعیان در نماز، دست روی دست نمی گذارند؟

ص:۵

تصویر



درآمد

شخصیت جامعی داشت: متفکر بود و به صفات مثبت بسیاری، آراسته. جایگاه والای علمی او سبب شد تا خانه اش همواره محل آمدوشدِ دانشمندان و چهره های علمی کشورهای اسلامی باشد: دکتر شیخ محمد فحّام، مفتیِ اعظم و رئیس دانشگاه الازهر، دکتر صبحی صالح، عالم لبنانی و شیخ احمد کفتارو، مفتیِ سوریه، برخی از افرادی هستند که به دیدارِ وی شتافتند.

وقتی شیخ احمد کفتارو برای دیدار با او، وارد جلسهٔ درسِ وی شد. استاد به احترام میهمان، درس را به زبان عربی ادامه داد. پس از پایان درس، شیخ کفتارو پشت تریبون قرار گرفت و گفت: «نحن کنّا شیعه، اذا کانَت الشیعه معناها حبّ آل بیت رسول الله؛ و من لم یَتَشیّع، فلیسَ بِمُسلِم.» (= ما شیعه ایم؛ اگر شیعه همان دوستیِ آل بیت پیامبر باشد و هر کس شیعگی نکند، مسلمان نیست.)

آیت الله سید هادی میلانی، متوفای۱۳۵۴، حیات علمی خود را در خدمت پیشرفت مذهب اهل بیت قرار داد. وی در کنار آثار قلمی متعدد، کتاب هشت جلدیِ قادَتُنا کیفَ نَعرفهم را با

بهره گیری از مـدارک معتبر اهل سنّت، در شـرح حال و اثبات حقانیت و امامت اهل بیت تـدوین کرد که یکی از متون قوی و مهمّ اسـتناد در مباحث علمی است. او با پیراستن فضای علمی از ناسزا و بدگویی، در پاسخ گویی به پرسش های اعتقادی و کلامی، پیش قدم بود.

متن زیر، پاسخ ایشان به یک نامه است(۱) که می تواند حاویِ پاسخ به پرسش های پیدا و پنهان شما نیز باشد.

ص:۸

۱- ۱. ر.ک: دیدگاه های علمی آیت الله العظمی سیدهادی میلانی، به کوشش محمدرضا میلانی، ص۵۹تا۷۰.

۱. خلافت پس از پیامبر

تصویر



می گویند: «ما علی را دوست داریم؛ ولی، آیا شما شیعیان سندی دارید که سه خلیفه، خلافِ آنچه خداU و پیامبر خواسته اند، عمل کرده اند؟ همچنین، اگر پیغمبر علی را در غدیر خُم به ولایت انتخاب کرده، پس، پیغمبر حکومت را موروثی کرده است. در نهایت، اگر چنین چیزی هم بوده باشد، چرا و چگونه مردم ابوبکر را قبول کردند؟»

اولاً، دوست داشتن حضرت علی، البته، کاشف از سلامت فطرت است؛ بر حسبِ روایات بسیار[ی] که از پیغمبر اکرم رسیده است و [نیز به این دلیل که] هر دانشمندی که آن حضرت را شناخت، همانا در وجدان خود وابسته و دل بسته به آن حضرت شد.(۱)

۱- ابن حجر روایتی را از رسول اکرم نقل می کند که فرمودند: «مؤمن علی را دوست دارد و منافق از علی بدش می آید.» ابوسعیدخدری گفت: «کنّا نَعرفُ المُنافقین بِبغضِهم علیّاً.» (= منافقین را از بغضشان نسبت به علی می شناختیم.)، الصواعق المحرقه، ص۷۳.

اما اینکه آیا سه خلیفه بر خلاف خواستهٔ خداU و پیغمبر عملی انجام داده اند یا نه، اگر مقصود، جنبهٔ تاریخی باشد، علماء تسنّن و راویان احادیث اهل سنّت در کتاب هایشان فراوان نقل کرده اند و مدارك و شواهد زنده و انکارناپذیری از دانشمندان اهل تسنّن موجود است که مقدار مهمی از آن را در کتاب های غایه المرام و النص و الاجتهاد و الغدیر و الاستغاثه و المراجعات و الفصول المهمه و الامامه الکبری و تشیید المطاعن و استقصاء الافحام، با تعیین سند و شماره و خصوصیات دیگر نوشته اند.

اما اگر جنبهٔ خلافت از پیغمبر باشد، فرض آنکه این سه نفر هیچ کار خلافی انجام نداده باشند، دلیل بر خلافت آنان نمی شود. در بین صحابهٔ بزرگ پیغمبر، افرادی مانند سلمان و ابوذر و غیر آنان داریم که خلاف خواستهٔ خداU و پیغمبر نکرده اند؛ ولی بااین حال، خلیفه نیستند.

بنابراین، آنچه باید بحث شود، این است که شیعه، طبق مدارك علمی و اسناد قطعیِ انکارناپذیر که از راویان احادیث و علمای اهل تسنّن و دیگران در دسترس [و] موجود است،

ص:۱۱

می گوینـد: پیغمبر اکرم، بارها، علی را به جانشـینیِ خود تعیین کرد و البته [آن جانشـینی] از طرف خداوند متعال بوده [است]؛ چون، قرآن می گویـد:]و ما ینطِقُ عَنِ الهَوی. إنْ هو إلّا وَحیٌ یوحی[(۱) و نیز خودِ پیغمبر فرموده [است] که امر خلافت، بسـتگی به دستور خدای متعال دارد؛ چنانچه در بعضی از کتب سیره، مذکور است.

باری، در مواقع بسیار، پیغمبر اسـلام فرمودنـد: «علی خلیفـهٔ من است و زمامدار دین بعد از من و... .» این عبارت ها و مُرادف آن ها، در کتاب هـای اهل سنّت موجود است: از جملـهٔ آن ها[ست] موقعی که مجتمع مسـلمین (انصار و مهاجرین) بود؛ [یعنی در] غـدیر خم. در آنجا، رسول اکرم علی را تعیین فرمودنـد و اعلام و اِعلان کردنـد و کتاب های بسـیاری آن را نقل کرده انـد؛ مخصوصاً، کتاب های مسـتقلی دربارهٔ راویان حدیث غدیر نوشته اند و از صحابهٔ رسول

۱- . نجم/۳و۴.

اکرم که حاضر بوده اند و شنیده اند و روایت کرده اند، بسیاری از آنان ثبت و ضبط است. بعضی از علما به صدوپنجاه طریق و بعضی به صدوبیست طریق و بعضی به هشتاد طریق، روایت ها را ذکر کرده اند. خوب است به کتاب الغدیر علاّمه امینی مراجعه کنید که بعضی جلدهای آن به فارسی ترجمه شده است.

بالجمله، با در نظر گرفتن این مدارکِ روشن و این همه روایاتی که اهل سنّت نقل کرده اند، علاوه بر آنچه شیعه نقل کرده است، شک و تردیدی باقی نمی ماند که پیغمبر اکرم علی را جانشین خود قرار داده و او را تعیین کرده است.

ثانیاً، نوشته اید که در این صورت، پیغمبر حکومت را موروثی کرده [است].

این گفته، از منطق به دور است؛ زیرا که باید در نظر داشت پیغمبر اکرم پیغمبر خداست و دربارهٔ او، قرآن می فرماید که بر طبق هوای نفس سخن نمی گوید و آنچه می گوید، از جانب خداوندU است. در آیهٔ دیگر است [که] هر آنچه پیغمبر برای شما آورده، آن را بپذیرید و قبول

کنید و اطاعت پیغمبر را واجب قرار داده است؛ این مضامین، در آیات قرآن، بسیار وجود دارد. پس به این دلیل، انتخاب پیغمبر انتخاب خداU و از حساب حکومت موروثی، جداست.

[به علاوه،] حضرت آدم پسرش شیث را به نبوت انتخاب کرد و ابراهیم پسرش اسحاق را و داوود پسرش سلیمان را و زکریا پسرش یحیی را و موسی برادرش هارون را و همهٔ آن ها، دستور خداوندی بود. دراین صورت، آیا جا دارد گفته شود که نبوّت، موروثی است؟ اگر شخصی به علتِ شایستگی و صفات برجسته، فردی از خویشاوندان خود را به جای خود انتخاب کرد، کاملاً ـ مطابق موازین علم و عقل رفتار کرده؛ نه آنکه [امر را] موروثی قرار داده است.

ثالثاً نوشته اید که اگر چنین چیزی بود، چرا و چگونه مردم ابوبکر را قبول کردند؟

قبول کردن یا نکردنِ مردم را نتوان دلیل علمی قرار داد. انسان باید چیزی را به میزان علمی ثابت کند و چنانچه دید مردم خلاف آن رفتار کردند، بداند که آن ها راه خطا را پیموده اند یا برخلاف حقیقت، سیاستی در کار بوده است.

ص:۱۴

انسـان وقتی به عقـل مراجعه می کنـد، می بینـد اصولاً ـ ممکن نیست پیغمبر در مـدت بیست و سه سـال، بـا تحمّـل شدیـدترین مشـکلات، یک حکومت جوان اسـلامی به وجود آورَد و تمـام جزئیـاتِ مسائـل مبتلابهِ جامعه را بیان کنـد؛ ولی، دربارهٔ جانشـین خود که سـرنوشت حکومت اسلامی به آن بستگی دارد، یک باره سکوت کند و این موضوع مهمّ حیاتی را به انتخاب مردم واگذارَد.

چگونه ممکن است پیغمبری که در تمـام مـدت رسـالت خود، ساده ترین مسائل را فروگـذار نکرده و دربارهٔ آن ها سـخن گفته و دسـتور داده [است]، راجع به سـرنوشت آیندهٔ حکومت اسلامی و آیندهٔ مسلمانان که چه کسی بعد از او، زمام امر را به دست بگیرد، یک بار هم فکر نکند و به کلّی [از آن] صرف نظر کند؟ آیا ممکن است چنین باشد؟ حاشا و کلّا.

پس، به این حسـاب، وقـتی که جویـا می شویم، می بینیم پیغمـبر اکرم هیـچ گونه [از آن] صـرف نظر نکرده و کاملاً ـ در فکر بوده و به دسـتور خداوندی، دستور داده و علی را [انتخاب فرموده است] که از هر جهت، بر دیگران [برتری] دارد و [او را] جانشین خود قرار داده است.

ص:۱۵

حال، اینکه چرا اکثریت مردم بعد از پیغمبر، دور او را نگرفتند، خوب است به کتاب های تاریخ [مراجعه] کرده و خود، قضاوت کنید.

شیعه می گوید: پیغمبر علی را جانشین خود معیّن کرده [است] و مدارکی قطعی بر این گفتار دارد که راویان احادیث، در کتاب های خودِ اهل سنّت نقل کرده اند.

به علاوه، اینکه حضرت موسی به نصّ صریح قرآن، برای مدت کوتاهی که به کوه طور می رود، خلیفه برای خود انتخاب می کند که فرمود:]و قالَ موسی لِاخیه هارونَ اخْلُفنی فی قَومی[، آیا چگونه پذیرفتنی است که پیغمبر اسلام از جهان رحلت کند و کاری را که پیغمبران دیگر انجام داده اند، انجام ندهد و به قول اهل سنّت، تعیین خلیفه را به انتخاب مردم وابگذارد؛ حاشا و کلّا؛ سبحانک اللّهمَّ هذا بُهتانٌ عظیم.

سعد بن عباده و قبیلهٔ خزرج، با خلافت ابو بکر [مخالفت کردند]؛ آن هم مخالفتی که نزدیک بود سبب جنگ داخلی بشود و بالاخره، سعدبن عباده تا زنده بود، بیعت نکرد. نیز، حضرت

علی بن ابی طالب و فاطمهٔ زهرا و سلمان و ابوذر و مقداد و عمّار یاسر و عبدالله بن عباس و جمعی از صحابهٔ بزرگ، در ابتدای کار، با خلافت ابو بکر سخت مخالفت کردند؛ بعداً، چون دیدند ممکن است جنگ داخلی ظهور کند و دشمنان اسلام که شکست خوردهٔ حکومت اسلامی هستند، سوءاستفاده کنند، ازاین نظر، دست از مخالفت برداشتند و در صورت ظاهر، تسلیم شدند؛ تا اینکه حکومت اسلامی که بسیار جوان است، هدف حملات دشمنان واقع نشود.

نظیرِ این یا عجیب تر از این، داستان مردم با هارون، خلیفهٔ حضرت موسی است که مردم با اینکه می دانستند موسی زنده است و به سوی آن ها برمی گردد و با آنکه همه می دانستند که هارون را موسی به جانشینی انتخاب کرده است؛ بااین حال، بنی اسرائیل از هارون دست برداشتند و در اطرافِ دیگری، جمع شدند و نزدیک شد هارون را بکشند! در قرآن مجید است [که] هارون اظهار کرد:]انَّ القَومَ استَضعَفونی و کادُوا یقتُلونَنی[(1) پس اگر جمع زیادی از مسلمانان،

ص:۱۷

۱- . اعراف/۱۵۰.

آن هم بعد از رحلت پیغمبر، علی را که از جانب پیغمبر به سِمت خلافت انتخاب شده [است]، رها کنند و اطراف ابو بکر را بگیرند، جای تعجب نیست.

نبایستی به رفتار و کِردار مردم، عقیده پیدا کرد و ترتیب اثر داد؛ چه بسیار که اکثریت، راه انحراف و اشتباه پیموده اند. خداوند متعال در قرآن می فرماید:]اکثرَ النّاسِ لا یؤمنون[؛(۱)]اکثر النّاس لا یشکرون[؛(۲)]فَاَعرَضَ اَکثرهُم فَهُم لا یسمَعُون[؛(۳)]وَ اکثَرهُم الفاسِقون[؛(۴)]لا خَیرَ فی کثیرٍ مِن نَجویهُم[؛(۵)]و کثیرٌ منهُم سَاءَ ما یعمَلُون[(۶) و همچنین، آیات دیگر که به این مضمون در قرآن است و نیز چه بسیار است که اقلیت

۱- . هود/۱۷.

۲- . بقره/۲۴۳.

۳- . فصّلت/۴.

۴- . آل عمران/۱۱۰.

۵- . نساء/۱۱۴.

۶- . مائده/۶۶.

به وظیفه عمـل کرده و از عقل و دانش پیروی کرده[انـد]. قرآن مجیـد دربارهٔ آن ها می فرمایـد:]الاّ الّـذین آمَنوا وَ عَمِلوا الصّالحات[(1) و می فرماید:]و قلیل مِن عِبادِیَ الشَّکور[(2) و همچنین، آیات دیگر.

باری، مردمِ مسلمانِ آن روز، مانند مردم امروز بوده اند: گاهی دستور صریح قرآن و پیغمبر را با آنکه می دانستند گفتار خداU و پیغمبر است، به کار نمی بستند و به این حساب، اگر مردمِ آن روز، ابوبکر را قبول کردند، جای تعجب نیست.

به طورکلّی، تذکردادن این نکته لازم است که دلیل و برهان و منطق شیعه در موضوع خلافت علی بعد از پیغمبر، آن قدر زیاد است که دربارهٔ آن، کتاب ها نوشته اند و ما در اینجا، بسیار مختصر و کوتاه، به بعضی مطالب اشاره کردیم.

۱- . شعراء/۲۲۷.

۲- . سبأ/۱۳.

تصویر



ص:۲۰

۲. اوقات نماز

تصویر



ص:۲۱

اگر خدا می خواست مؤمنین نماز را روزی سه بار بخوانند، آن طورکه شیعه می خوانَد، سه نماز تعیین می کرد؛ چرا پنج نماز تعیین کرده است؟

حقیقتاً، اگر کسی تقلید در عقیده را کنار بگذارد و به کتب حدیث و تاریخ مراجعه کند، ممکن نیست طریق تسنّن را اختیار کند و از قضاوت عقل و علم دست بردارد.

سه وقت بودن برای نماز، لازم ندارد که سه نماز معیّن شود؛ بلکه سازش دارد با پنج نماز، به طرزی که شیعه می خوانَد و شاهد بر این مطلب، آن است که به اجماعِ همهٔ مسلمین و به اتفاقِ شیعه و سنّی، در عرفات و در مشعر، به طرز شیعه نماز می خوانند و بین ظهر و عصر و مغرب و عشا، جمع می کنند.

نیز، در روایات بسیاری از اهل سنّت است که در موقع سفر و موقع باران و در حالِ مرض و بعضی عذرهای دیگر، جایز است جمع کردن بین دو نماز

ص:۲۲

و پیغمبر اکرم جمع بین دو نماز فرموده اند. آیا جای دارد بگویند که در عرفات و مشعر و در مواقع دیگر در شبانه روز، می بایستی سه نماز معیّن شود؛ چون در سه وقت خوانده می شود؟

شیعه با هم خواندن دو نماز را واجب نمی داند؛ بلکه می گوید: وقت، مُوَسّع و مشترک است؛ پس، جایز است انسان دو نماز را با هم جدا کند و فاصله دهد و می گوید: در قرآن مجید، برای نماز، سه وقت قرار داده شده [است]: یکی موقع تمایل آفتاب از نصف النّهار؛ دوم، موقع تاریکی شب؛ سوم، موقع صبح که می فرماید:]اَقِم الصَّلاه لِدُلُوک الشَّمس الی غَسَقِ اللَّیلِ و قُرانَ الفَجر[(1) و نیز ائمۀ هدی از پیغمبر روایت کرده اند دربارۀ این سه وقت، مَوَسّع و مشترک بودنِ آن ها را. پس شیعه از قرآن و از پیغمبر و از اهل بیت تبعیت می کند.

بعضی از علمای اهل سنّت، مانند فخر رازی در کتاب تفسیر کبیر خود، در تفسیر این آیۀ

۱- . اسراء/۷۸.

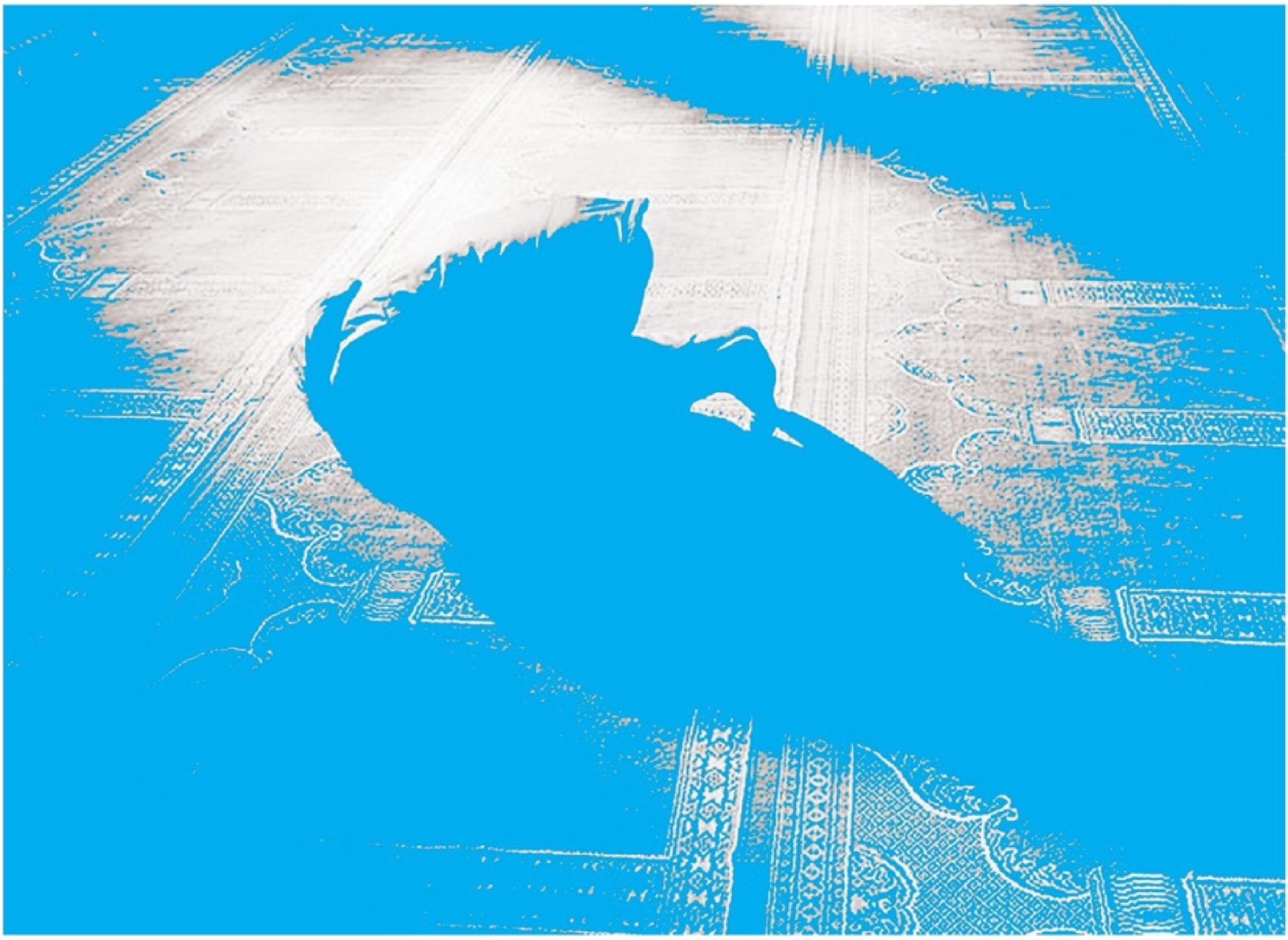
مبارکه از سورهٔ اسـراء اعتراف کرده به اینکه قرآن مجید از برای نماز، سه وقت قرار داده است: ظهر و عصـر و همچنین، مغرب و عشا، اشتراک در وقت دارند.

اهل سنّت در کتب حدیث، مانند صـحیح مُسلم و غیره، روایت های متعدد[ی] به سندهایی که آن ها را صحیح و معتبر می دانند، روایت کرده انـد که پیغمبر در حال عادی که نه خوف بود و نه باران و نه سـفر، بلکه در مـدینه بودنـد، جمع کردنـد بین نماز ظهر و عصـر و همچنین، نماز مغرب و عشا؛ و فرمودند: «می خواهم به امّت خود بفهمانم که در وسعت هستند.»

اینک از علمای اهل سنّت، بسـیار جای تعجب است [که] به این روایت ها عمل نکرده، آن ها را برخلاف آنچه ظاهر، بلکه صریح آن هاست، تأویل کرده انـد. باری، هیـچ گونه دلیلی وجود نـدارد بر اینکه با فاصـله نماز خوانـدن، واجب باشد و حقّ مطلب این است که مسـتحب است و تَرک مسـتحب، جایز بوده و اعتراضی بدان نیست؛ همچنان که غالب مردم، نماز شب و نافله های نمازها را نمی خوانند و کسی اعتراض به آن ها نمی کند؛ بلکه می توان گفت: نسبت به بسیاری

از مردم که مشغله و کار زیاد دارند و مشکل است که فراغت در دو وقت پیدا کنند، افضل آن است که در یک وقت، دو نماز را بخوانند؛ تا کاملاً محافظت بر نماز کرده و مطابق احتیاط رفتار کرده باشند.

تصویر



۳. حمد و سورهٔ معیّن

تصویر



ص:۲۷

چرا شیعه حمد و سورهٔ معیّنی می خوانَد که در نتیجه، چهرهٔ نماز را ماشینی کرده و توجهی به اصل و معنا نمی کند؟

اولاً، سورهٔ معیّن خواندن، سبب ماشینی شدن و توجه نداشتن نمی شود؛ و الاّ، این سخن دربارهٔ حمد هم می آید.

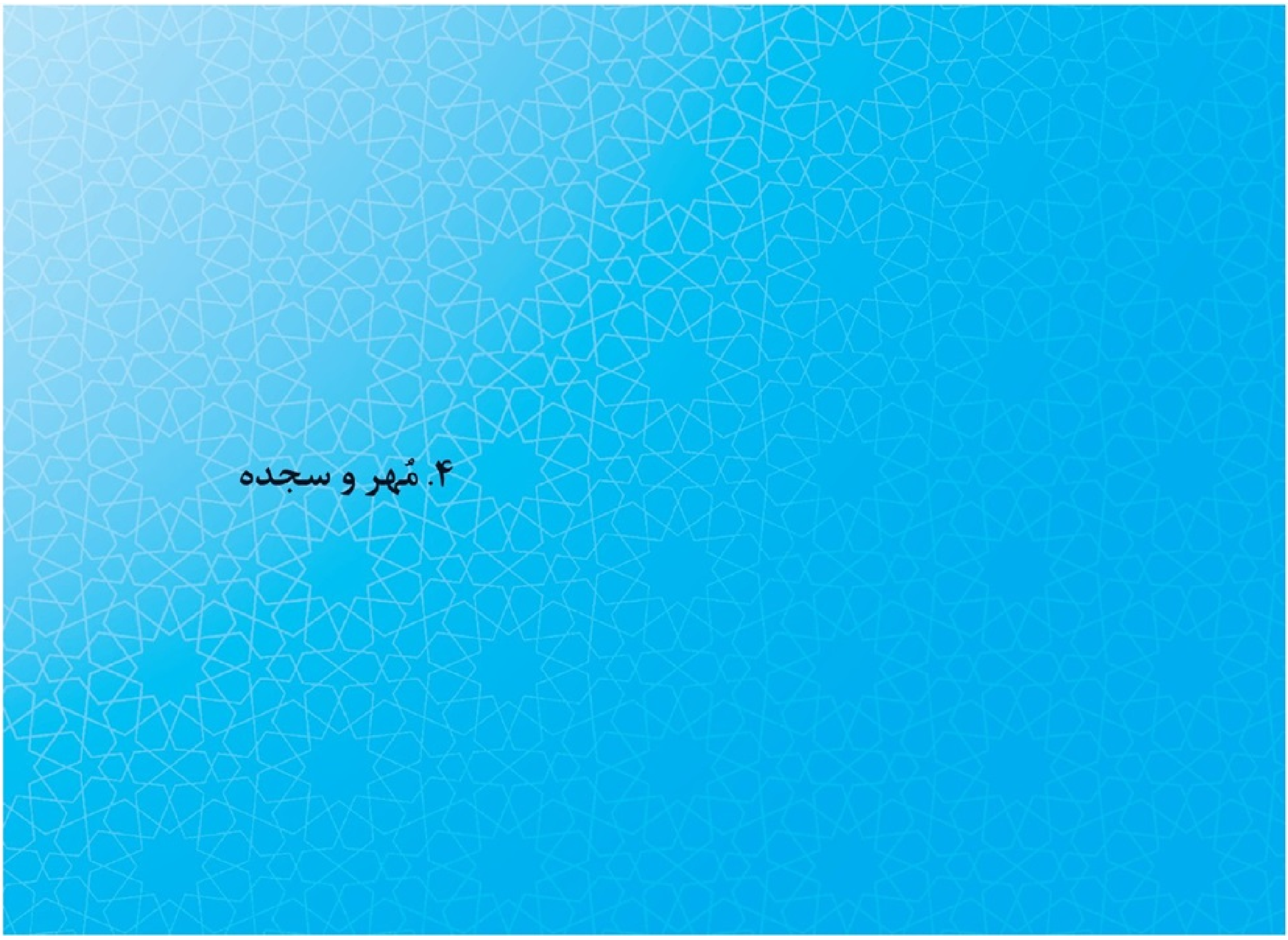
ثانیاً، شیعه جایز می داند خواندن هر سوره را بعد از حمد؛ مگر چهار سورهٔ سجده را، به ملاحظهٔ اینکه اگر انسان یکی از آن ها را در نماز بخواند، باید سجده کند و آن، سبب زیادتی در نماز می شود و کیفیت نماز را به هم می زند.

اما اینکه غالباً شیعه سورهٔ توحید را می خوانَد، چون سورهٔ توحید است و اهمیت و فضیلت بسیار دارد و چنانچه انسان اهل توجه به اصل و معنا باشد، این سورهٔ مبارک، معانی بسیار دقیق و جهات معارف توحیدی دارد که بسیار شایان توجه است.

ص:۲۸

۴. مُهر و سجده

تصویر



ص:۲۹

در زمینهٔ مُهر، اگر منظور جای تمیز است، می شود دستمال تمیزی گذاشت. چرا شیعه چیز مخصوصی را برای سجده تعیین کرده است؟

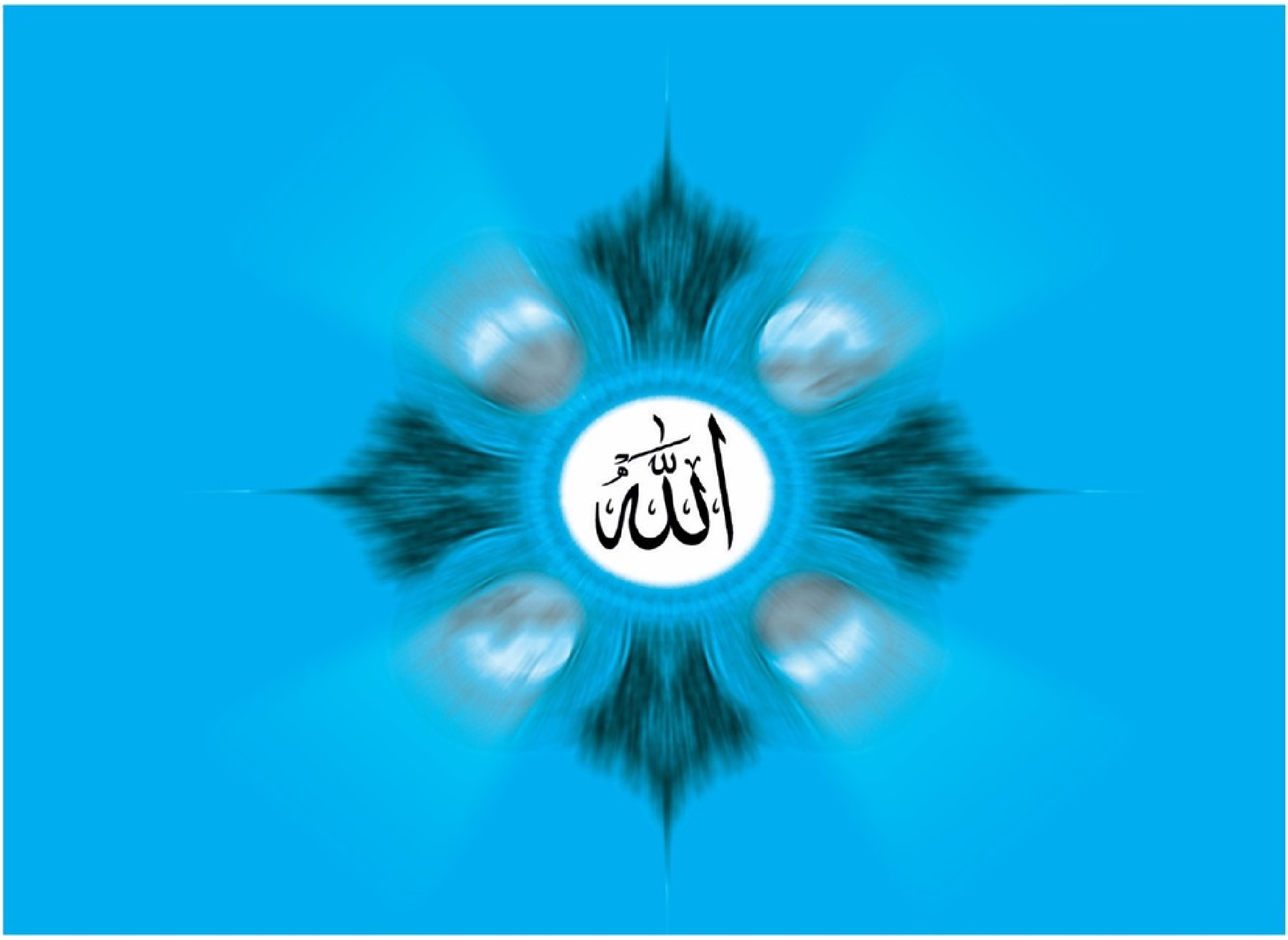
روایاتی از پیغمبر، به واسطهٔ ائمهٔ اهل بیت، رسیده است که باید در نماز، پیشانی را به زمین، مانند خاک و سنگ و بر آنچه از زمین می روَید، مانند چوب و برگ درخت و امثال آن ها گذارد و جایز نیست سجده کردن بر چیزی که جزء حیوانی است؛ مانند پشم و پوست و غیرذلک و نیز جایز نیست بر چیزی که از زمین روییده، ولی خوردنی یا پوشیدنی است و بدین جهت، شیعه، بر فرش و لباس و مانند آن ها و بر مأکولات (خوردنی ها) سجده نمی کند و مُهر را اختیار کرده، چون از خاک است و افضل است و انسان را به یاد می آورد که از خاک، خلق شده و به خاک برمی گردد [و] خضوع و خشوع، در مقام پرستش خداوندی، بیشتر می شود و

اگر مُهر از خاک کربلا باشد، بهتر است؛ چون، شرافت دارد.(1)

باری، شیعه واجب نمی داند خصوصِ مُهرگذاردن را و جایز می داند سجده کردن بر سنگ و کلوخِ پاک و تمیز و همچنین، بر تخته و برگ درخت و ریگ بیابان و مانند آن ها را و در تمام کتب، مسائل شرعیهٔ آنچه گفته شد، نوشته شده است.

۱- . علی فرمودند که وارد شدم بر رسول خداU؛ دیدم گریه می کنند. عرض کردم: «آیا کسی شما را ناراحت کرده است که چنین اشک می ریزید؟» فرمودند: «اینک جبرئیل از نزد من رفت و به من گفت که حسین را نزدیک شط فرات می کُشند؛ می خواهی تربت او را به شما نشان بدهم که ببویی؟ گفتم: بله. او دست دراز کرد و مشتی از آن تربت آورد و به من داد که نتوانستم جلوی اشکم را بگیرم.»؛ محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص۱۴۸.

تصویر



۵. شکلِ قرارگرفتن دست ها در نماز

تصویر



ص:۳۳

دربارهٔ شکلِ قرارگرفتن دست ها در نماز، شیعه می گوید که چون این طور راحت تر است، شیعه آن طرز را انتخاب کرده است؛ نظر شماچیست؟

اول، دست روی دست گذاردن در نماز را علمای اهل سنّت واجب نمی دانند؛ حتی مالکیه که یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنّت است، آن را در نمازِ واجب، مکروه می داند؛ پس هر کس، به هر جهتی، آن را در نماز تَرک کند، مانعی ندارد.

دوم، در روایات بسیار[ی از] اهل سنّت که صفت و کیفیت نماز رسول اکرم را بیان کرده اند، در آن ها نیست که پیغمبر در نماز، دست روی دست می گذارده اند؛ پس احتیاط، مقتضی است که نمازگزار، آن را تَرک کند.

ثالثاً، اهل بیت نهی کرده اند از اینکه در نماز، دست روی دست گذارده شود و فرموده اند: این عملی است که پیغمبر آن را در نماز قرار نداده و نمی توان آن را که موجب بطلان نماز

ص:۳۴

است، به جای آورد. مخصوصاً، از حضرت علی بن ابی طالب روایت کرده اند که بعضی ملت های غیراسلامی، چنین احترام و خضوعی به بزرگان مادی خود نشان می دهند و مسلمان نباید طبق عادت آن ها رفتار کند.

بالجمله، چون نماز دستور آسمانی است، شیعه نمی تواند برخلاف آنچه از پیغمبر به وسیلهٔ اهل بیت رسیده [است]، رفتار کند و بدین جهت، دست ها را روی هم نمی گذارد. بسیار جای تعجب از کسی است که به خیال خود و بدون تحقیق، اعتراض می کند یا تهمت می زند.

خاتمهٔ سخن اینکه [در] روایات صحیح و معتبر[ی] رسیده و بسیاری از آن ها در کتاب های اهل سنّت موجود است که پیغمبر اسلام دو چیز را قرین یکدیگر قرار داده اند: یکی قرآن و دومی اهل بیت خود؛ و فرمودند: «این دو، با هم هستند و از همدیگر جدا نمی شوند...»(۱) «... اگر

۱- این حدیث نزد شیعه و سنّی، به حدیث «ثقلین» معروف است و سند آن بیش از حدّ تواتر است و در کتاب های حدیث، تفسیر، تاریخ و لغت آن را ذکر کرده اند. ابن حجر در صواعق، ص۸۹، می نویسد: «إعلَم انّ لِحدیث التمسّک بِذلک طُرُقاً کثیره. وَرَدَت عن نیف و عشرین صحابیاً.» همچنین، بحرانی در غایه المرام، ص۲۱۱، سی و نه حدیث از اهل سنّت و در ص۲۱۷، هشتاد و دو حدیث از شیعه دراین باب، نقل می کند.

امت اسـلامی از این دو تبعیت کننـد و به هر دو تمسّک جوینـد، هیچ گاه به گمراهی نمی افتند.» نیز: «مَثل اهل بیت من، مَثل کشتی نوح است: هرکه به آن پیوست، نجات یافت و هرکه جدا شد، به هلاکت افتاد.»

در غالب کتاب های حدیث، از شـیعه و سـنّی، فضایل اهل بیت بیان شده [است]؛ ازاین رو، شیعه در معارف دینی و مذهبی، از اهل بیت تبعیت کرده و بدین وسیله، از قرآن و از پیغمبر اسلام معارف را به دست آورده است. اُولئک علی هُدی من رَبّهم و اُلئک هُمُ المفلِحون.[(۱)]

... و آخرُ دعویهُم أنِ الحمدُ لله ربّ العالَمین.

۱- . بقره/۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹